

## متن پرسش

با سلام خدمت استاد گرانقدر دامت توفیقاته: به حول و قوه الهی جمعی از طلبه های قم درصدد هستیم در کنار تحصیل دروس حوزوی و پیگیری مباحث معرفتی، در جهت گفتمان سازی مکتب امام و حرکت به سمت حل مشکلات انقلاب قدمی برداریم آنچه به ذهنمان رسید این بود که در قدم اول می بایست بچه های انقلاب دور هم بنشینند و با رویکردی راهبردی و ناظر به حل مشکلات به گفتگو و مباحثه بپردازند و این جلسات مباحثه که موضوعش انقلاب اسلامی است را مهم و ارزشمند بشمارند تا از قبل مباحثه بر روی مسائل واقعی و اساسی انقلاب، اندیشه پشتیبان انقلاب اسلامی که یک اندیشه جامع و کامل و فاخر و حرکت آفرین است از مرحله اجمال به تفصیل برسد. در همین رابطه متن زیر و سوالاتی خدمت حضرت عالی ارائه می شود امیدواریم با پاسخ به این پرسش ها ما را در این تکلیف مقدس و الهی یاری بفرمایید. البته این سوالات بخشی از مسائلی است که می بایست با نگاه عمیق به آنها پرداخت. ابتدا متنی در زمینه تبیین ضرورت پرداختن به مباحثه پیرامون مسائل انقلاب و تدوین نظام سوالات ارائه شده و در ادامه سوالات طرح می شود. اندیشه پشتیبان انقلاب اسلامی (حرکت به سمت تفصیل دادن اندیشه های انقلابی - اسلامی مرتکز در ذهن بچه های انقلاب) ما اجمالا فهمی راجع به انقلاب و اسلام و آینده آنها و وضعیت موجود و ضرورت حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب داریم. تقریباً این فهم اجمالی روی اکثر بچه حزب اللهی های ما نصب است شاهد آن این است که هر کسی در گوشه ای برای خود کاری به نام انقلاب و انقلابی گری تعریف کرده و مشغول انجام آن است البته به میزانی که این فهم اجمالی به سمت تفصیل بیشتری حرکت کرده است قاعدتاً موفقیت هم بیشتر بوده است. چرا همین فهم اجمالی کافی نیست؟ عظمت اسلام و انقلاب از یک طرف و آلوده شدن اسلام ناب به تقریرهای غلط در طول تاریخ از طرف دیگر پیچیدگی های فوق العاده طراحی های دشمن، ناتوانی اندیشه ای و راهبردی بچه های انقلاب در مواجهه با طراحی های دشمن و تبیین عظمت اسلام و انقلاب و..... همه ی این موارد، صدها و بلکه هزاران سوال و مسئله را برای ما پیش می آورد که بدون توجه به آنها و حل اساسی تک تک آنها راه به سمت مطلوب باز نمی شود و ما همچنان در مرحله احساس مشکل و سرودن مشکلات باقی خواهیم ماند. در این شرایط، ما مجبوریم برای درمان دردهای خود و تجهیز جبهه انقلاب برای گذر از مشکلات و رسیدن به نقطه مطلوب چاره اندیشی کنیم. یکی از آسیب های مهم و فراگیر در بین بچه های انقلاب این است که روی شناخت مشکل و مسئله کمتر وقت می گذارند و ذهن ها بیشتر معطوف به عمل است و به همین خاطر هم عموماً اقدامات میدانی اثر بخشی مورد انتظار را ندارند. به نظر می

رسد اولین قدم در حل مشکلات انقلاب این است که باید تمام سوالات و مسئله های موجود مربوط به حرکت انقلاب فهرست شود تا با تحلیل و مباحثه بر روی آنها و سنخ شناسی هر کدام از سوالات و مسائل، به شیوه ای معقول و منطقی و با طرحی واقعی و جامع به سمت حل آن ها حرکت کنیم. اگر نتوانیم سوالات و مسئله های واقعی انقلاب را کشف و به زبانی فنی و دقیق بیان کنیم راهی به سمت حل واقعی مشکلات پیش رویمان گشوده نمی شود. نشناختن درد و بیماری باعث شده رجما بالغیب تیرهایی را به فضا پرتاب کنیم و این کوری در هدف ما را مستعد بازی خوردن در زمین دشمن کرده است و در نتیجه به دست خودمان یکی یکی سنگرهای انقلاب را تقدیم دشمن می کنیم. صد انداختی تیر و هر صد خطاست / اگر هوشمندی یک انداز و راست نظام آموزشی حوزه و دانشگاه، ما را مقرر اندیشه های دیگران بار آورده است نمی توانیم به مسائل واقعی خودمان و حل آنها فکر کنیم. در این نظام آموزشی و تربیتی، سوال و جواب معلوم است و کافی است ما این سوال و جواب ها را حفظ کنیم تا عنوان دانشمند و دکتر و ... بر ما اطلاق شود. وقتی تربیت نشده ایم که خودمان سوال طراحی کرده و پاسخ دهیم چه انتظاری داریم که مشکلات واقعی صحنه زندگی و تمدنی خود را حل کنیم. با توجه به این نکات و البته نکات فراوان دیگر، ما به این جمع بندی می رسیم که باید سوالات و مسئله های انقلاب را در عرصه های مختلف جمع کرده و با تحلیل و ارزیابی و تدوین نظام سوالات و مسائل به سمت حل آنها پیش برویم. از باب مثال می توان به موضوعاتی که می بایست پیرامون آنها به تدوین سوال و مسئله پرداخت، اشاره نمود البته همه این موضوعات باید با عینک راهبردی دیده شود تا نظام مسائل و پرسش ها با جهت گیری حل مشکلات انقلاب تدوین شود. اسلام، انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی، ساختار و قانون امام زمان (ع) و ظهور، امام خمینی (ره)، حضرت آقا، انقلابیون، مردم، آمریکا، تمدن غرب، غرب شناسان و مسئله غرب شناسی، نخبگان و مسئله نخبگی، دانش، اقتصاد، فرهنگ و مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی، فهم و نگاه و اندیشه راهبردی، نهاد رهبری و شعور رهبرانه، تصویر نقطه مطلوب، تشکیلات و جمع انقلابی، حوزه علمیه، ادراک و اراده، مقوله حل مشکل، سبک زندگی انقلابی، نهادهای انقلابی، ماموریت گرایی، زن در دنیای معاصر سوالات پیرامون امام خمینی (ره) ۱. کدام یک از نقاط تاریک نظام طاغوت برای امام اهمیت بیشتری داشت و امام سعی می کرد آنها را مقابل چشم مردم قرار دهد؟ ۲. آیا امام قبل از انقلاب با امام بعد از انقلاب تفاوتی داشت؟ اگر بله این تفاوت در چه زمینه هایی بود؟ ۳. آیا امام طرح کلانی برای مبارزه و اداره انقلاب داشت؟ یا صرفا انجام وظیفه می کرد و راه خودش باز می شد؟ ۴. آیا امام از همان دوران جوانی خیز مبارزه با شاه و تشکیل حکومت اسلامی داشت؟ آیا می توان گفت امام در دوره ای که مشغول تالیف و تدریس دروس متداول حوزوی بوده، به دنبال مبارزه بوده است؟ ۵. چرا امام قبل از سال ۴۲ وارد مبارزه با شاه نشد؟ امام این نگاه اجتماعی و سیاسی را از کجا آورده است؟ با توجه به اینکه آقا در خاطره ای می فرمایند که امام در دوره ای که مشغول تدریس دروس حوزوی بودند کاملا منزوی بودند و فقط مسیر مسجد سلماسی تا منزل را طی می کردند و خیلی بروز و ظهور نداشتند. ۶. تفاوت امام با

بقیه علما از یک طرف و مبارزین از طرف دیگر چیست؟ ۷. شیوه مبارزه امام با فساد اقتصادی و سیاسی و ... در کشور بعد از انقلاب چگونه بود؟ گاهی گفته می شود امام در مسئله مبارزه با فساد نسبت به رهبری قاطع تر عمل می کردند. این ادعا چقدر درست است؟ ۸. آیا امام فلسفه غرب خوانده بود؟ یکی از اساتید در نوشته ای ادعا کرده بودند که علامه طباطبایی (ره) به مطالعه فلسفه غرب علاقه مند بودند به خلاف امام که هیچ علاقه ای به مطالعه فلسفه غرب نداشتند. ۹. اینکه برخی ادعا می کنند چون امام فلسفه غرب نخوانده بود مواجهه ایشان با غرب، سیاسی و فرهنگی و اخلاقی بوده است و لایه های فلسفی و فکری غرب را نشانه نرفته بودند، چقدر صحت دارد؟ ۱۰. راز مماشات امام با برخی جریانات و افراد غیر انقلابی و حتی انقلابیون منفعل چه بوده است؟ برخی می گویند مصلحت حفظ نظام اسلامی اقتضا می کرده است آیا می توان مدعی شد که اگر با این افراد و جریانات انقلابی برخورد می شد امروز مانعی مثل اینها را نداشتیم؟ با توجه به اینکه خود امام در اواخر عمرشان تصریح می کنند که ما باید از اول انقلابی عمل می کردیم. ۱۱. منظور امام از وحدت ملی که بارها روی آن تاکید داشتند چه بود؟ برخی می گویند منش و روش امام در بحث وحدت باید مد نظر باشد و برخی دیگر مدعی هستند که جایگاه امام چون رهبری کلان جامعه بود می توانستند چنین منشی داشته باشند ولی وقتی در مسئولیت عملیاتی و اجرایی قرار می گیریم وحدت یعنی مماشات با این افراد غیر انقلابی در عمل و این یعنی خوابیدن یا کند شدن حرکت انقلابی. کدامیک از این نظرات درست است؟ ۱۲. چگونه می توانیم به یک فهم مشترک از کلمات امام برسیم به گونه ای که هر کس برداشت شخصی از کلمات ایشان نکند؟ ۱۳. امام از یک طرف انتقادهای جدی به روند حرکت روحانیت در طول تاریخ دارد و از طرفی علمای سلف را می ستاید، چگونه این دو جمع می شود؟ نگاه امام به تاریخ حرکت شیعه و به خصوص روحانیت چگونه است؟ ۱۴. نگاه امام به مسئله ورزش در کشور چه بود؟ طرح امام برای آینده ورزش کشور چه بود؟ آیا ورزش قهرمانی به این شکل امروزی، مطلوب امام بود؟ ۱۵. آیا نگاه امام به هنر تاکتیکی بود یا برای هنر اصالتی قائل بودند؟ ۱۶. هدف و راهبرد کلان انقلاب در عرصه جهانی از منظر امام چه بود؟ طرح امام برای اصلاح نظام ظالمانه جهان چه بود؟ سوالات پیرامون اقتصاد ۱. آیا ما فقط فقه الاقتصاد داریم یا علم اقتصاد اسلامی هم می توانیم داشته باشیم؟ ۲. شاخصه های اقتصاد تراز انقلاب اسلامی و مکتب امام چیست؟ ۳. حد رفاه و توسعه اقتصادی در اسلام چیست؟ قرار است مردم تا چه اندازه ای در رفاه و گشایش اقتصادی باشند؟ آیا رفاه و حرکت به سمت آن با سنت ابتلاء و سختی و امتحان انسانها منافات ندارد؟ اینکه قرآن می فرماید «لقد خلقنا الانسان فی کبد» یا روایاتی که تصریح می کنند که «مردم در دنیا به دنبال راحتی هستند در حالیکه خداوند راحتی را در دنیا قرار نداده است» با مسئله رفاه و توسعه اقتصادی منافات ندارد؟ ۴. آیا برای اداره اقتصادی کشور و حل مشکلات، طرح کلانی داریم؟ یا با سعی و خطا پیش می رویم؟ ۵. آیا امکان دارد مشکلات اقتصادی را بدون توجه به عرصه های دیگر مثل فرهنگ و تفکر و اخلاق و ... حل کرد؟ رابطه مشکلات اقتصادی با این عرصه ها چیست؟ ۶. آیا این تصویر از گذشته که ما مردمی فقیر

و بدبخت و قحطی زده بوده ایم درست است؟ ۷. از چه زمانی این شکل از مشکلات اقتصادی دامن گیر ما شده است؟ علت و خاستگاه مشکلات اقتصادی کشور چیست؟ مسئله غرب شناسی ۱. غرب شناسی از چه زمانی و با چه انگیزه ای وارد کشور شد؟ ۲. موضع شاه در مقابل مسئله نقد غرب چه بود؟ ۳. چرا عمده کسانی که در مسیر غرب شناسی فردیدی قرار می گیرند از انقلاب و فضای حماسی آن دور می شوند و به نوعی روشنفکری منفعل و البته منتقد تبدیل می شوند؟ آیا این دستگاه غرب شناسی مشکل دارد یا مشکل از جای دیگری است؟ ۴. چه خصوصیتی در غرب شناسی فلسفی نهفته است که هر کس که به آن دل می دهد از درون دچار یک حرارت و شوریدگی عجیبی شده و وجودش دچار تلاطم و بی قراری می شود؟ ۵. آیا امکان دارد به لحاظ ثبوتی که حرف های اندیشمندان غربی مطابق با حقیقت باشد؟ آیا در عالم اثبات واقع هم شده است؟ با توجه به اینکه برخی قائلند کفار و غیر شیعه هیچ گاه حرف حقی ندارند و اگر هم حرف حقی بر زبانشان جاری می شود از شیعه به عاریت رفته است. ۶. نقش اراده انسانی در تحولات اجتماعی و تاریخی از منظر غرب شناسی و غرب شناسان چگونه است؟ آیا غرب شناسی فلسفی به نوعی جبر تاریخی معتقد است؟ ۷. آیا غرب شناسی فلسفی، بصیرت سیاسی اجتماعی ما را تقویت می کند یا بر عکس ما را به کج فهمی سیاسی مبتلا می کند؟ با توجه به مواردی مثل دکتر داوری که در عین غرب شناسی عمیق فلسفی در عرصه سیاسی به افرادی مثل آقای خاتمی و عارف متمایل هستند. نسبت این موضع گیری های سیاسی با آن تفکر عمیق فلسفی چیست؟ مشکل از کجاست؟

#### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به نظر بنده به جای این که بخواهید به تک تک این سؤالات بپردازید و همواره سرگردان انواع سؤال ها باشید؛ خوب است که یک سیر مطالعاتی در سه جانب «خودشناسی» و «شناخت جایگاه تاریخی انقلاب» و «شناخت غرب» پیشه کنید تا به خوبی با قدرت تفکری که حاصل می شود، کارها را جلو ببرید. در مورد «خودشناسی» بحث «ده نکته در معرفت نفس» و شرح آن بنا به تجربه‌ی خواهران و برادران بسیاری از مسائل روحی و شوقی انسان را مدیریت می کند. به فرمایش یکی از طلاب، بحث معرفت‌النفس فتح‌الفتوح می باشد. و در مورد انقلاب و امام، کتاب «انقلاب اسلامی و رجوع به عهد قدسی» و کتاب «سلوک ذیل شخصیت امام خمینی» رضوان‌الله تعالی علیه «افق خوبی را در معرض تفکر و دید افراد قرار می دهد. و در رابطه با «غرب شناسی» کتاب «مدرنیته و توهم» همراه با شرح آن می تواند جمع بندی نسبتاً خوبی را در رابطه با شناخت غرب مطرح کند. همه‌ی مطالب فوق، بر روی سایت هست. می ماند که در بین سؤالات متکثر، یک سؤال مشخص داشته باشید که مانع حرکت شما باشد. خوب است که همان سؤال را مطرح بفرمایید موفق باشید